



Challenges of violation of neutrality in sports competitions from the perspective of the culture of humanitarian rights (case study: exclusion of Russia in the attack on Ukraine)

Mehdi Meyhami¹, Esmail Shahsavandi*²

1. Assistant Professor of Department of private Law, North Tehran Branch, Islamic Azad university, Tehran, Iran. Email: mmeyhamy@gmail.com
2. Corresponding author, Assistant Professor of Department of International trade law, North Tehran Branch, Islamic Azad university, Tehran, Iran. Email: es.shahsavandi@ymail.com

Abstract

Russia's war with Ukraine was so shocking that it brought a quick reaction from the sports community, and one after another, sports bodies condemned Russia's action in encroaching on Ukraine's territory and sanctioned this country in order to have a decisive reaction to this war and Russia's behavior. The first institution that reacted to this incident was FIFA, which together with UEFA banned Russian football. In response to Russia's attack on Ukraine, the European Football Federation together with FIFA has decided to ban all existing club teams as well as the Russian national teams from participating in matches under the supervision of these two institutions. Therefore, in addition to the exclusion of Russia from the 2022 World Cup qualifiers, this law will also be implemented in the Champions League and Europa League matches, which reflected the consequences and global reaction to this matter. Also, UEFA has decided to end its cooperation with the Russian company Gazprom in the European Champions League, UEFA national competitions and Euro 2024. Adidas also officially announced the termination of cooperation with the Russian Football Federation. With the announcement of Adidas, this company has cut off its cooperation with the Russian Football Federation following the war between Russia and Ukraine and will no longer be responsible for supplying the uniforms of the Russian national football team. Meanwhile, Adidas has been a sponsor of the Russian national team shirt since 2008. In this article, the violation of the neutrality of sports in a political event was discussed from the aspect of international law with an analytical approach, and the double standard that has appeared in this regard has been discussed and investigated.

Keywords: humanitarian rights, sports culture, FIFA, conflicts, principle of neutrality, double standard.

Received:	August 8, 2024	Article Type:	Research Paper
Revised:	June 17, 2024	Published by:	Hazrat-e Masoumeh University
Accepted:	August 18, 2024	DOI:	10.22034/cjls.2024.2040644.1012
Available Online:	October 28, 2024		

چالش‌های نقض بی‌طرفی در رقابت‌های ورزشی از منظر فرهنگ حقوق بشردوستانه (مورد مطالعه: حذف روسیه در حمله به اوکراین)

مهدی میهمی^۱؛ اسماعیل شاهسوندی*^۲

۱. استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. رایانامه:

mmeigham@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

رایانامه: es.shahsavandi@ymail.com

چکیده

جنگ روسیه با اوکراین به اندازه‌ای تکان‌دهنده بود که واکنش سریع جامعه ورزش را به همراه داشت و نهادهای ورزشی یکی پس از دیگری با محکوم کردن اقدام روسیه در تجاوز به خاک اوکراین، این کشور را تحریم کردند تا واکنش قاطعی به این جنگ و رفتار روسیه داشته باشند. نخستین نهادی که به این ماجرا واکنش نشان داد، فیفا بود که به همراه یوفا فوتبال روسیه را محروم کرد. فدراسیون فوتبال اروپا به همراه فیفا تصمیم گرفته تا در واکنش به حمله روسیه به خاک اوکراین، کلیه تیم‌های موجود باشگاهی و همچنین تیم‌های ملی روسیه را از حضور در مسابقات تحت نظارت این دو نهاد منع نماید. لذا علاوه برکنار رفتن روسیه از مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲، در مسابقات لیگ قهرمانان و لیگ اروپا نیز این قانون اجرا خواهد شد که پیامد و واکنش جهانی به این قضیه را منعکس نمود. همچنین یوفا تصمیم گرفته است به همکاری خود با شرکت روسی گاز پرم در لیگ قهرمانان اروپا، مسابقات ملی یوفا و یورو ۲۰۲۴ خاتمه دهد همچنین آدیداس به صورت رسمی از قطع همکاری با فدراسیون فوتبال روسیه خبر داد. با اعلام آدیداس، این کمپانی در پی جنگ روسیه و اوکراین، همکاری خود با فدراسیون فوتبال روسیه را قطع کرد و دیگر وظیفه تأمین البسه تیم ملی فوتبال روسیه را بر عهده نخواهد داشت. این در حالی است که آدیداس از سال ۲۰۰۸ اسپانسر پیراهن تیم ملی روسیه بوده است. در این مقاله به نقض بی‌طرفی ورزش در رخداد سیاسی از جنبه فرهنگ حقوق بشردوستانه با رویکرد تحلیلی پرداخته شد و استاندارد دوگانه که در فرهنگ ورزشی نمود پیدا کرده است را مورد بحث و بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی: حقوق بشردوستانه، فرهنگ ورزشی، فیفا، مخاصمات، اصل بی‌طرفی، استاندارد دوگانه.

تاریخ دریافت:	۱۴۰۳/۰۵/۱۸	نوع مقاله:	پژوهشی
تاریخ بازنگری:	۱۴۰۳/۰۶/۲۷	ناشر:	دانشگاه حضرت معصومه (علیهاالسلام)
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۳/۰۷/۲۷	DOI:	10.22034/cjls.2024.2040644.1012
تاریخ انتشار آنلاین:	۱۴۰۳/۰۸/۰۷		

به دنبال رخداد محرومیت روسیه توسط فیفا در تمامی رقابت‌های بین‌المللی؛ فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) و اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا) با انتشار بیانیه‌ای مشترک روسیه را تا اطلاع ثانوی از حضور در تمامی رقابت‌های بین‌المللی محروم کردند. این مسئله چالش‌های حقوقی بسیاری را در تقاضای بی‌طرفی محافل و مراجع ورزشی به پا کرد چراکه شعار ورزش همواره رعایت اصل انصاف و بی‌طرفی معرفی شده بود. به طوری که روسیه قرار بود در پلی‌آف جام جهانی ۲۰۲۲ به مصاف لهستان برود، اما با این تصمیم متخذه؛ این بازی انجام نخواهد شد. در این بیانیه مشترک آمده است: فیفا و یوفا امروز باهم تصمیم گرفتند که تمامی تیم‌های روسیه، چه تیم‌های ملی و چه تیم‌های باشگاهی، تا اطلاع ثانوی از حضور در رقابت‌های فیفا و یوفا تعلیق شوند. این امر در پی استحکام وضعیت در اوکراین به سوی بهبود انجام شده است تا فوتبال بتواند دوباره عاملی برای اتحاد و صلح بین مردم باشد. تعلیق به این معنی آن است که روسیه نمی‌تواند در مرحله نیمه‌نهایی پلی‌آف جام جهانی با لهستان روبرو شود، در حالی که تیم زنان این کشور نیز تابستان امسال از مسابقات قهرمانی اروپا (یورو ۲۰۲۲) در انگلیس محروم خواهد شد. همچنین یوفا اعلام نمود که قرارداد طولانی مدت و بسیار هنگفت حامی مالی (اسپانسرینگ) با شرکت گاز روسیه، گاز پروم را لغو می‌کند. تعلیقات انجام شده و لغو قراردادهای بلندمدت علاوه بر خسارات مادی، خسارات معنوی را برجای گذاشته و اذعان عمومی را در دنیا تحت الشعاع قرارداد است. یکی از ضمانت‌های غیرحقوقی در حقوق بین‌الملل معطوف داشتن افکار جهانی پیرو موضوعی است که حساسیت کشورها و جامعه بین‌المللی را به دنبال دارد. تصمیم قاطعانه کنفدراسیون فوتبال اروپا و فیفا علیه روسیه بالاخره اجرایی شد. بر اساس بیانیه رسمی یوفا، کنفدراسیون فوتبال اروپا به همراه فیفا تصمیم گرفته است تا در واکنش به حمله روسیه به خاک اوکراین، تمامی تیم‌های باشگاهی و همچنین تیم‌های ملی روسیه را از حضور در مسابقات تحت نظارت این دو نهاد منع کند.

بدین ترتیب علاوه بر کنار رفتن روسیه از مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲، باشگاهی مثل لایپزیش که در مسابقات اروپایی با نماینده روسیه (اسپارتاک مسکو) مواجه شده است، به طور مستقیم به مرحله یک‌چهارم نهایی لیگ اروپا راه پیدا می‌کند. همچنین

یوفا تصمیم گرفته است به همکاری خود با شرکت روسی گاز پروم در لیگ قهرمانان اروپا، مسابقات ملی یوفا و یورو ۲۰۲۴ پایان بدهد.^۱ لذا سؤال اصلی این مقاله چالش‌های حقوقی نقض بی طرفی ورزش نسبت به اقدامات مراجع ورزشی است که آیا اقدامات انجام شده در عرصه بین الملل و جاهت حقوقی دارد و یا خیر؟ توجهات و اهداف و تأثیرات و پیامدهای چنین اقدام عمل‌هایی در رویه دولت‌ها چه خواهد بود؟

خلط ورزش باسیاست و تعلیق ورزش به این حکم سبکه طولانی دارد و این تنها بار اول نیست که چنین رخدادی روی می‌دهد. ورود سیاست به ورزش به‌ویژه فوتبال با واکنش محکمی از سوی فیفا و IOC مواجه شده همواره وجود داشته است. اما این بار نه تنها این دو نهاد برخورد با برخی کشورهای معترض و دخالت دهنده سیاست در ورزش نکرده‌اند، بلکه با همراهی آن‌ها با اقدام یک‌جانبه نیل به به محرومیت روس‌ها از هرگونه فعالیت ورزشی بوده است. حتی بر سر همین اختلاف روسیه و اوکراین در سال‌های اخیر، بارها نهادهای ورزشی تأکید شده که مسائل سیاسی باید کنار گذاشته شده و ویزا برای ورزشکاران دو کشور برای تردد بین اوکراین و روسیه صادر شود. در طول تاریخ فوتبال از حادثه رابی فاولر که در سال ۱۹۹۷ اخراج باراندازهای لیورپولی را هدف اعتراضش دانست و محروم شد تا جولای ۲۰۱۴ که آرژانتینی‌ها به خاطر ابراز عقاید سیاسی و استفاده از شعارهایی درباره جزایر فالکلند و جنگ مالکیت با انگلیسی‌ها محروم شدند؛ می‌توان هزاران مورد دیگر از این نوع اعتراضات گاه سیاسی را به‌عنوان مثال عنوان نمود.

خاصیت فوتبال ورزشی است که از دیرباز با اختلاف قومی و قبیله‌ای، اعتقادی و بسیاری دیگر از عناصر دیگر دست و پنجه نرم نموده حتی فوتبال ایران هم قربانی مبارزه فیفا با بحث مسائل سیاسی شده و چند ماهی را بعد از جام جهانی ۲۰۰۶ با تعلیق دست و پنجه نرم نموده است. برخوردهای سلیقه‌ای در این میان خصوصاً در مورد اقدام تعلیق فیفا نیز نسبت به برخی کشورهای در حال توسعه سؤال برانگیز است... موضوع دخالت در امر سیاست در فوتبال طبق اساسنامه فیفا و منشور المپیک اکیداً ممنوع بوده و این امر همان مسأله‌ای که نهاد فیفا باید در آن دخالت کند و اجازه ورودش را ندهند. اما به‌راستی فیفا به‌عنوان مؤثرترین نهاد ورزشی دنیا رفتاری متناقض دارد و اقداماتی غیرقانونی در این مدت انجام داده است.

1. <https://www.mashreghnews.ir/news/1346178>.

نقض قانون جدایی ورزش از سیاست را می‌توان در رفتار متناقض و برخلاف قانون فیفا دید. این نهاد بین‌المللی در درگیری سیاسی دو کشور روسیه و اوکراین وارد شد و طرف اوکراین را گرفت حتی ادعا بر این امر است که فیفا پا را فراتر گذاشته و میزبانی روسیه در تمام رویدادها را لغو و تیم‌های ورزشی این کشور را نیز محروم نمود. این اتفاق بی‌سابقه باعث واکنش تند روسیه شده و متعاقباً نگاه‌ها را معطوف مسائل مشابهی همچون موضوع عملیات نظامی رژیم صهیونیستی علیه فلسطین نموده است که چرا فیفا در این مورد خاص ورود نموده و حتی کمیته بین‌المللی المپیک بارها به ورزشکاران ایرانی که قصد داشتند در دفاع از مردم فلسطین از مسابقات خود با نمایندگان اسرائیلی سرباز بزنند، هشدار و اخطار محرومیت داده است. این نوع استانداردهای دوگانه فیفا محل سؤال و چالش تبعیض‌آمیز بسیاری را از باب حقوقی و حقوق بشر بازنموده که مظان اتهام تبانی را در این میان در حمایت‌های نابخردانه‌اش می‌گشاید. (ساعد وکیل، ۱۴۰۱، ص ۱۶۲).

۱. بی‌طرفی سیاسی، ستون مورد مناقشه ورزش جهانی

اصل بی‌طرفی سیاسی یکی از اصول اساسی است که سازمان جهانی ورزش بر آن استوار است. این اصل اغلب با بارون پیر دو کوبرتن^۱، بنیانگذار کمیته بین‌المللی المپیک^۲ (IOC)^۳ و «پدر» بازی‌های المپیک مدرن^۴ مرتبط است. کوبرتن رویای ایجاد «محل ملاقات غیرسیاسی را در سر داشت که در آن وفاداری به قوانین بازی و زیبایی رقابت، افرادی را که به‌عنوان متخاصم شناخته می‌شوند، را قادر می‌ساخت تا باهم دوست شوند»^۵ و لذا اصل بی‌طرفی سیاسی در این رؤیا نقش اساسی داشت. (Naess, 2018. p147). درحالی‌که ظرفیت ورزش برای تقویت صلح می‌تواند مورد تردید باشد و مورد تردید قرار گرفته است، این امر مایه مباهات تلقی می‌شد که دولت‌ها علیرغم تنش‌های سیاسی شدید یا حتی درگیر شدن در جنگ، توانسته‌اند در ورزش رقابت کنند.^۶ این امر آتش‌بس المپیک یا Ekecheiria

1. Baron Pierre de Coubertin.

2. the International Olympic Committee (IOC)

3. See e.g. IOC, Code of Ethics, Art. 1.2.

4. the 'father' of the modern Olympic Games.

5. "a apolitical meeting venue where loyalty to the rules of the game and the beauty of the competition would enable people otherwise known as enemies to become friends".

6. Hoberman 2011.

پشتیبانی می‌شود، که به بازی‌های باستانی بازمی‌گردد، اما معادل امروزی دارد که توسط نظم بین‌المللی پشتیبانی می‌شود. باین‌حال، اصل بی‌طرفی سیاسی نه تنها وسیله‌ای برای ترویج صلح (یا حداقل تعلیق جنگ) به تنهایی است. بلکه این اصل همچنین ارتباط نزدیکی با استقلال جنبش ورزشی دارد و از آن حمایت می‌کند. به‌عنوان بیان این ارتباط، ادعا شده است که ورزش به دلیل اینکه قضاوت نمی‌کند پذیرفته شده است. (Naess, 2019, pp521)

اگرچه اصل بی‌طرفی سیاسی از این نظر برای ورزش اساسی است زیرا در حال حاضر سازمان‌دهی شده و قابل بحث است. از مسائل بسیار مهم آن است که چگونه این اصل، وقتی به مرحله عمل و رویه تبدیل می‌شود، محدودیت‌های قابل توجهی در آزادی بیان ورزشکاران ایجاد می‌کند. یک محدودیت قابل توجه و قابل توجه گسترده در حق آزادی بیان ورزشکاران را می‌توان در ماده ۵۰ منشور IOC^۱ یافت که می‌گوید: «هیچ نوع تظاهرات یا تبلیغات سیاسی، مذهبی یا نژادی در هیچ مکان، مکان یا المپیک یا مناطق دیگر مجاز نیست. (محمدی، ۱۳۹۷، ص ۴۷۱)، تاریخچه طولانی‌ای در اعمال قوانین IOC وجود دارد، به‌گونه‌ای که ورزشکاران را از استفاده از صحنه‌ای که ورزش برای برجسته کردن مسائل مهم سیاسی فراهم می‌کند، بازمی‌دارد. یکی از معروف‌ترین نمونه‌های آن محرومیت مادام‌العمر تامی اسمیت و جان کارلوس به دلیل اعتراض به بی‌عدالتی نژادی در بازی‌های المپیک ۱۹۶۸ است. (Lindholm, 2017, pp202-204)

در سال‌های اخیر، به‌ویژه در ارتباط با جنبش «جان سیاه‌پوستان مهم است، این مسئله به‌طور فزاینده‌ای آشکار شده است که ممنوعیت کامل سخنرانی سیاسی و مجازات سخت‌گیرانه متخلفان دیگر قابل قبول نیست و راه مناسبی به نظر می‌رسد. (See e.g. Di Marco, 2021, pp. 621-623)

نهادهای حاکم بر ورزش (SGBs) برای کنار گذاشتن بی‌طرفی سیاسی (تصور شده) خود و اتخاذ موضع در مورد مسائل مبرم در طول زمان افزایش یافته است. به‌ویژه، SGBها تحت فشار قرار گرفته‌اند تا از حقوق بشر دفاع کنند و علیه نقض حقوق بشر، به‌ویژه مواردی که توسط کشورهایهایی که میزبان رویدادهای ورزشی بزرگ هستند، صحبت به میان آورند. SGBها یا نهادهای حاکم بر ورزش؛ تمایلی به انجام این کار نداشته‌اند و انفعال را با اصل بی‌طرفی سیاسی توجیه می‌کنند. به‌عنوان مثال، اینفانتینو رئیس فیفا در پاسخ به سؤالاتی در

1. Rule 50 of the IOC Charter.

مورد مسئولیت‌های فیفا در رابطه با نقض حقوق بشر در قطر با توجه به کشور میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ اظهار داشت که نقش اساسی فیفا، آن‌طور که من می‌فهمم، این است که با فوتبال برخورد کنیم و در ژئوپلیتیک دخالت نکنیم (See e.g. Di Marco, 2021, p. 636). حتی واکنش قطر به این رخداد به‌عنوان میزبان رقابت‌های جام جهانی جالب‌توجه است. حسن الذوادی، رئیس کمیته عالی پروژه‌ها و میراث جام جهانی ۲۰۲۲ قطر؛ از اقدامات علیه تمامیت ارضی دیگر کشورها حمایت نمی‌دارد اما اعلام نمود قطر با این وجود حامی جدایی ورزش از سیاست است وی اذعان می‌دارد که قطر. ما همیشه جدایی ورزش از سیاست را حمایت نموده و خواهد نمود و اینکه ورزش نباید با ایدئولوژی و سیاست آمیخته شود. ورزش و به‌ویژه جام جهانی فوتبال باید فرصت‌هایی برای گردهمایی مردم ایجاد کند. تلاش بیشتری باید شود تا مردم دنیا را به سمت یکدیگر سوق دهیم.

۲. تاریخچه فیفا در اعمال محرومیت کشورها به دلیل مخاصمات مسلحانه در تاریخ فوتبال

تضاد حادث در دنیا در پی محرومیت روسیه از رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۲ شعار ورزش از سیاست جداست را زیر سؤال برده است اما سبقه این نوع مسئله به‌غیر از محرومیت آفریقای جنوبی در دوران آپارتاید، مثال‌هایی برای جلوگیری از رقابت تیم‌های ملی را به‌سختی می‌توان یافت. به‌طور نمونه، آلمان نازی در جام جهانی ۱۹۳۸ علی‌رغم جنگ جهانی دوم حضور داشت، همان‌طور که فرانسه در جام‌های جهانی دهه ۱۹۵۰ با وجود جنگ‌های خونین آن کشور علیه جنبش‌های استقلال‌طلب در الجزایر، هند و چین شرکت کرد. در پی اقدامات سیاسی دولت وقت آرژانتین، تعلیق و هیچ تحریم ورزشی علیه حکومت نظامی آرژانتین اعمال نشد که مردم خود را بازداشت و در استادیوم‌های فوتبال - که میزبان جام جهانی ۱۹۷۸ بودند - اعدام می‌کرد. حتی در نیجریه با وجود جنگ خونین که منجر به مرگ ۲ میلیون نفر بر اثر گرسنگی شد اما اجازه داشت در مسابقات مقدماتی جام جهانی ۱۹۷۰ شرکت کند. رویه فیفا آن است که معمولاً تیم‌های ملی را به خاطر اقدامات دولشان مجازات نمی‌کند. برای مثال میانمار نه به دلیل دیکتاتوری نظامی وحشیانه در این کشور، بلکه به دلیل ناکامی در انجام بازی مقدماتی جام جهانی با ایران، از جام جهانی

۲۰۰۶ کنار گذاشته شد. همچنین سوریه در سال ۲۰۱۴ به دلیل به میدان فرستادن یک بازیکن فاقد صلاحیت و نه به دلیل شرایط جنگی اجازه حضور در جام جهانی را نداشت. منطق فیفا از این حقیقت ناشی می‌شود که ورزش نباید سیاسی باشد اما اقدام ناگهانی فیفا در حمایت از اوکراین تغییر رویه بی‌سابقه‌ای را در ورزش جوانمردانه و بی‌طرف پدید آورده است که جای تأمل بسیاری از باب حقوقی و اصول حقوق بین‌الملل دارد. (پازوکی، ۱۳۹۶، ص ۳۸۲) نکته حائز اهمیت آن است که اساسنامه فیفا در موارد مختلفی فدراسیون‌ها را ملزم به تبعیت از قوانینی کرده که مهم‌ترین آن‌ها عدم دخالت ارکان سیاسی کشورها در مسائل فوتبالی است و در یکی از بندها عنوان کرده که این اتفاق برابر با تعلیق از مسابقات بین‌المللی است. حال این بار خود خیاط در کوزه افتاد. در اساسنامه فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) مواد قانونی ذیل مرئی نظر است: در بند هشتم اساسنامه فیفا تأکید شده است که نهادها و مقامات رسمی باید مقررات فیفا را در فعالیت‌های خود رعایت کنند و اقدامات آن‌ها تحت تأثیر شخص سومی نباشد که اشاره به عدم ورود افراد دولتی و فشارهای سیاسی هم دارد. بند ۸ اشعار می‌دارد که: ۱. تمام نهادها و مقامات رسمی باید اساسنامه، مقررات، تصمیمات و مجموعه مقررات اخلاقی فیفا را در فعالیت‌های خود رعایت کنند. در بند ۱ آمده است که: «اداره امور خود به‌طور مستقل و حصول ۲. تخلف از پاراگراف ۱ بند (ز) نیز ممکن است منجر به اعمال مجازات‌ها شود؛ حتی اگر نفوذ طرف سوم ناشی از قصور عضو مربوطه نباشد. هر فدراسیون عضو نسبت به تمام رفتارهای نهادهای وابسته به خود که ناشی از قصور کلی یا سوء رفتار عامدانه اعضای خود بوده در قبال فیفا مسئول است. همچنین اساسنامه فیفا همچنین تأکید دارد که در اساسنامه کشورهای عضو، بی‌طرفی در امور سیاسی و مذهبی و مستقل بودن از هر نوع دخالت سیاسی رعایت شود. اطمینان از این که فعالیت آن‌ها تحت تأثیر هیچ شخص ثالثی نیست. (با رعایت ماده ۱۹ از این اساسنامه)»

همچنین ماده ۱۵ با عنوان اساسنامه فدراسیون‌های عضو اشعار می‌دارد که اساسنامه فدراسیون‌ها باید اصول مدیریتی مناسب را رعایت کرده و به‌طور خاص، حداقل، باید در بردارنده مقررات مربوط به مسائل زیر باشد: الف. بی‌طرفی در امور سیاسی و مذهبی؛ ب. منع کلیه اشکال تبعیض؛ ج. مستقل بودن و جلوگیری از هر نوع دخالت سیاسی؛

(اکبرپور، ۱۳۹۵، ص ۵۲۶) ماده ۱۹ اساسنامه فیفا در باب استقلال اعضا و نهادهای آن‌ها می‌گوید: «هر یک از اعضا باید در اداره امور خود مستقل بوده و تحت تأثیر غیر ضروری هیچ نهاد یا شخص سومی قرار نگیرد. در بخش تعلیق نیز فیفا اعلام می‌کند که اگر فدراسیونی از عهده تعهدات خود برنیاید، شورا بدون نظر کنگره، تاوان تعلیق می‌کند.» (همان، ص ۵۲۷) سرانجام نیز در ماده ۱۶: تعلیق؛ نحوه اعمال تعلیق چنین قید شده است که کنگره ممکن است یک فدراسیون عضو را تنها بر اساس درخواست شورا تعلیق کند. با این وجود، شورا، بدون رأی کنگره ممکن است یک فدراسیون را در صورت تخطی جدی و مکرر از تعهدات ناشی از عضویتش با اثر فوری تعلیق کند. حکم تعلیق مصوب کنگره، تا کنگره بعدی پابرجا می‌ماند مگر این‌که شورا چنین تعلیقی را قبل از آن را در این فاصله لغو کند. (همان، ص ۵۱۶)

در ماده ۶۰ نیز اعمال تصمیمات و اجرای آن‌ها به صورت ذیل است: ۱. کنفدراسیون‌ها، فدراسیون‌های عضو و لیگ‌ها باید تصمیمات اتخاذ شده از سوی ارکان مربوط فیفا که بر طبق این اساسنامه قطعی بوده و تابع فرجام نیست را به طور کامل رعایت کنند. لذا با اعمال قوانین سخت‌گیرانه در منع بی‌طرفی در عرصه ورزش، فیفا امروزه به عنوان ناقض قوانین و مقررات مقرر خود محسوب می‌شود و کیست که فیفا را ناقض تعهداتی کند که بر دیگران اعمال می‌دارد. (همان، ص ۵۸۹). ۲. پاسخ ورزش در خصوص حمله روسیه به اوکراین. بنابراین، در ابتدای سال ۲۰۲۲ میلادی، ستون بی‌طرفی سیاسی شروع به بروز شکاف‌هایی کرده بود. با این حال، هیچ‌کس پیش‌بینی نمی‌کرد که پس از حفظ عمارت بی‌طرفی و انصاف در ورزش برای بیش از یک قرن، عملاً ظرف چند روز این ذهنیت زیبا از بین می‌رود. روز پنجشنبه ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ روسیه با کمک بلاروس به اوکراین حمله کرد. دست‌اندرکاران ورزش با سرعت و قاطعیت بی‌سابقه‌ای به این موضوع واکنش نشان دادند. اقدامات انجام شده بیش از آن‌که علنی شود نسبت به این حمله صورت پذیرفته است. روز بعد از حمله، در ۲۵ فوریه، هیئت اجرایی کمیته بین‌المللی المپیک این‌گونه توصیه کرد که فدراسیون‌های بین‌المللی ورزش (ISF) و سازمان دهندگان رویدادهای ورزشی؛ همه ورزشکاران روسیه و بلاروس را از شرکت در مسابقات منع و محروم کنند و روز دوشنبه ۲۸ فوریه یوفا اسپارتاک مسکو را از مسابقات لیگ اروپا حذف کرد. تعدادی از ISF ها از این کار پیروی کرده و ورزشکاران و مقامات روسی و

بلا روسی را از شرکت در مسابقات منع کرده‌اند، از جمله فدراسیون بین‌المللی بسکتبال (FIBA)، فدراسیون بین‌المللی ژیمناستیک (FIG)، فدراسیون بین‌المللی اسکی و اتحادیه بین‌المللی بیاتلون (IBU) فدراسیون بین‌المللی هاکی روی یخ (IIHF) و اتحادیه بین‌المللی اسکیت (ISU) برخی از اقدامات در پاسخ به تهاجمات با آکراه آشکار از طرف SGBها و به‌وضوح به‌عنوان پاسخی به فشارهای خارجی ناشی از سایر سهامداران ورزشی و عموم مردم انجام شد. به‌عنوان مثال، در روز یکشنبه، ۲۷ فوریه، فیفا اعلام کرد که فدراسیون فوتبال روسیه FUR اجازه دارد به حضور در مسابقات البته بدون بازی خانگی و بدون حضور روسیه ادامه دهد.^۱ با این حال، اتحادیه‌های فوتبال لهستان، جمهوری چک و سوئد که قرار بود در مرحله مقدماتی جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ با روسیه بازی کنند، مشترکاً اعلام کردند که از بازی با روسیه خودداری می‌کنند. در پاسخ، فیفا همان روز تصمیمات خود را لغو کرد و روسیه را به حالت تعلیق درآورد.^۲ به همین ترتیب، در روز پنجشنبه، ۳ مارس، کمیته بین‌المللی پارالمپیک (IPC) تصمیم گرفت همه ورزشکاران روسیه و بلا روس را از شرکت در بازی‌های پارالمپیک زمستانی ۲۰۲۲ پکن منع کند و مسابقات پارالمپیک زمستانی ۲۰۲۲ پکن را لغو نماید.^۳ تصمیم یک روز قبل مبنی بر اینکه ورزشکاران مجاز خواهند بود تحت یک تیم بی‌طرف به رقابت بپردازند و دلیل تغییر تصمیم خود را تهدید فدراسیون‌های متعدد به تحریم بازی‌ها در غیر این صورت عنوان کرد اقداماتی در حمایت از اوکراین انجام می‌شود و قصد دارد به تسریع پایان دادن به درگیری مسلحانه کمک کند. بنابراین واضح است که تعلیق‌های موردنظر به‌عنوان تحریم‌هایی علیه روسیه و بلا روس، مکمل و مشابه تحریم‌های اعمال‌شده توسط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. با این حال، اقدامات انجام‌شده در پاسخ به تهاجم به تعلیق محدود نشده است. دست‌اندرکاران ورزش نیز اقداماتی را انجام داده‌اند که

1. FIFA, "Bureau of the FIFA Council takes initial measures with regard to war in Ukraine", 27 February 2022. Available at <https://www.fifa.com/tournaments/mens/worldcup/qatar2022/media-releases/bureau-of-the-ffa-council-takes-initial-measures-with-regard-toward-in> (accessed 7 March 2022).
2. FIFA, "FIFA/UEFA suspend Russian clubs and national teams from all competitions", 28 February 2022. Available at <https://www.ffa.com/tournaments/mens/worldcup/qatar2022/media-releases/ffauefa-suspend-russian-clubs-and-national-teams-from-all-competitions> (accessed 7 March 2022).
3. David Waldstein and Amy Chang Chien, "In Reversal, Paralympics Bars Athletes From Russia and Belarus", New York Times, 3 March 2022. Available at <https://www.nytimes.com/2022/03/03/sports/olympics/paralympics-russia.html> (accessed 7 March 2022).

بیشتر مرتبط با جنبه تجاری ورزش و با فسخ تعهدات قراردادی است. به‌عنوان مثال، بلافاصله پس از تهاجم، یوفا تصمیم گرفت فینال لیگ قهرمانان ۲۰۲۲ را از سن پترزبورگ به پاریس منتقل کند و FIA گرنده‌پری روسیه ۲۰۲۲ را لغو کرد. یوفا همچنین قرارداد حمایت مالی خود با شرکت انرژی دولتی گازپروم روسیه را لغو کرد. FIA برای همیشه قرارداد خود را با گرنده‌پری روسیه لغو کرد و نیز تیم فرمول ۱ قرارداد خود را با یک راننده روسی فسخ نمود.

جالب توجه آنکه فیفا به بازیکنان و مربیان خارجی شاغل در باشگاه‌های روسی اعلام حق یک‌جانبه تعلیق قراردادهای کاری خود را اعطا کرد. برخی از این اقدامات احتمالاً حداقل تا حدی ناشی از نگرانی‌های امنیتی هستند، اما چنین اقداماتی بی‌شک دارای ویژگی تنبیهی مبرهنی هستند، که شبیه به تعلیق می‌باشد. این نوع اقدامات کاملاً بی‌سابقه نیستند. به‌عنوان مثال، آلمان و ژاپن به دلیل نقششان در جنگ جهانی دوم اجازه شرکت در بازی‌های المپیک ۱۹۴۸ را نداشتند. سبکه این نوع تعلیق پیش‌تر نیز در ورزش دنیا در پی جنگ‌های خانمان‌سوز جهانی محقق گردیده بود. باین‌حال هرگونه مقایسه با اقدامات قبلی در بهترین حالت ضعیف است. اقدامات اخیر علیه روسیه و تا حدی بلاروس از نظر گستره و قدرت بسیار متفاوت است. چراکه هردوی روسیه و اوکراین در دل گود جنگ و در موضع درگیری هستند و تعلیقات متصوره در حال انجام جنگ انجام پذیرفته است. علاوه بر این، اقدامات فیفا به‌وضوح به‌عنوان تحریم عمل می‌کنند و در نتیجه عملاً بخشی از یک بسته تحریمی هستند که شامل تحریم‌های مبتنی بر دولت با ماهیت سیاسی و اقتصادی است. این شکل از دخالت در ژئوپلیتیک بسیار عمیق‌تر از آن است که مثلاً فیفا علیه نقض حقوق بشر در قطر صحبت کند. حذف تیم ملی فوتبال روسیه از جام جهانی از سوی دادگاه عالی ورزش تأیید شد.^۱ دادگاه جهانی داور و ورزش (به نقل از رویترز)، حکم فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) درباره ممنوعیت شرکت باشگاه‌ها و تیم‌های ملی فوتبال روسیه در رقابت‌های این فدراسیون را تأیید کرد. به دلیل جنگ تجاوزکارانه علیه اوکراین، تیم‌های روسیه از رقابت‌های اروپایی کنار گذاشته شده‌اند. یوفا و فیفا تیم‌های باشگاهی و ملی روسیه را از رقابت‌ها کنار

1. 3 FIFA, "FIFA adopts temporary employment and registration rules to address several issues in relation to war in Ukraine", 7 March 2022. Available at <https://www.ffa.com/about-ffa/organisation/ffacouncil/media-releases/ffa-adopts-temporary-employment-and-registration-rules-to-address-several> (accessed 7 March 2022).
24 Hoberman 2011.

گذاشت تا سران فدراسیون فوتبال روسیه به دادگاه عالی ورزش شکایت کنند. پس از حمله روسیه به اوکراین، تیم‌های روسی فعلاً از رقابت‌های فوتبال اروپا حذف شدند. دادگاه داوری ورزش CAS نیز محرومیت تیم‌های باشگاهی و ملی روسی را از رقابت‌های اروپایی تأیید کرد و به همین دلیل اعتراض روس‌ها رد شد.

۳. آثار حقوقی نقض بی‌طرفی

پس از آغاز حمله نظامی ارتش روسیه به کشور اوکراین، کمیته بین‌المللی المپیک از فدراسیون‌های جهانی خواست که میزبانی مسابقات مختلف را از روسیه و بلاروس بگیرند و اجازه حضور تیم‌های این دو کشور در مسابقات با پرچم و سرود ملی را هم ندهند. با این وجود فدراسیون‌های بین‌المللی بسیاری از رشته‌ها فراتر رفتند و ورزشکاران روسیه و بلاروس را از حضور در تمامی مسابقات محروم کردند. فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) و اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا) حتی عضویت روسیه و بلاروس را هم به حالت تعلیق درآوردند.^۱

پس از صدور این تصمیم، فدراسیون فوتبال روسیه اعلام کرد که به صدور این رأی شکایت می‌کند. حق شکایت روسیه از این اقدام قطعاً محفوظ است. عرصه ورزش محل پیکار جوانمردان است و نه قدرت‌های نابرابر. اقدامات اخیر فیفا و یوفا علیه روسیه انتقادات بی‌شماری را در پی داشته و بسیاری آن را مصداق بارز دخالت سیاست در ورزش می‌دانند. شعار اصلی همیشگی فیفا و کمیته بین‌المللی المپیک جدایی سیاست از ورزش بوده است و بارها با کوچک‌ترین اقدام سیاسی در ورزش برخورد شده است و سابقه این امر را شاید در سؤال استن کالیمور، بازیکن سابق تیم ملی انگلیس بتوان یافت که: «زمانی که آمریکا به‌طور غیرقانونی به عراق حمله کرد، ما کارگران آمریکایی را از بریتانیا بیرون نکردیم، پس چرا روس‌ها به دلیل محل تولدشان در روسیه از فرصت کار قانونی محروم شدند؟»

بعد از گرفتن میزبانی مسابقات جهانی والیبال، رقابت‌های بین‌المللی شطرنج فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) و اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا) رسماً تیم‌های ملی فوتبال مردان و زنان روسیه را تا اطلاع ثانوی از تمامی مسابقات کنار گذاشتند. بر این اساس تیم‌های ملی مردان روسیه در رقابت‌های پلی‌آف راه‌یابی به جام جهانی مردان ۲۰۲۲ قطر حضور نخواهند داشت و از این

مسابقات حذف می‌شوند. تیم ملی فوتبال زنان روسیه هم در مسابقات یورو ۲۰۲۲ حذف خواهد شد. با این تصمیم فوتبال روسیه عملاً از تمامی رقابت‌های بین‌المللی فوتبال ملی و باشگاهی کنار گذاشته شده است. اهمیت جام جهانی برای هر کشور نقطه آغاز ماجراست و همچنین رخدادهای دیگری نیز انجام شد همچون انتقال فینال لیگ قهرمانان اروپا در ماهمی از سن پترزبورگ به پاریس و لغو مسابقات جایزه بزرگ فرمول یک که برای سپتامبر در سوچی برنامه‌ریزی شده بود؛ از طرف دیگر کمیته بین‌المللی المپیک اعلام کرد که ورزشکاران و مقامات روسیه باید از شرکت در تمامی مسابقات ورزشی بین‌المللی محروم شوند. این موضوعی بود که می‌تواند ورزش روسیه را به طور کلی متوقف و میلیون‌ها ورزشکار روسی را به شوک عمیق فروبرد. با کنار گذاشتن اصل بی‌طرفی سیاسی، SGBها شاید تا حدودی متناقص می‌توانند به آنچه این اصل ادعا می‌کرد به دست می‌آورد، اما شواهد اندکی از موفقیت برای آن وجود دارد: ترویج صلح. اگر اقدامات اخیر در ورزش بر فشار جامعه بین‌المللی بر روسیه بیفزاید، ممکن است در واقع به نجات جان انسان‌ها کمک کند. ورزش اکنون در قلمروی ناشناخته قرار گرفته است. در حالی که این انتظار که مراجع ورزشی یا SGBها مواضع سیاسی اتخاذ کنند، امتناع قاطعانه آن‌ها را از تزلزل از اصل بی‌طرفی سیاسی افزایش داده است، به این معنی است که راهنمایی محدودی در مورد فضایی که در ورزش برای اقدام سیاسی مشروع و موجه وجود دارد وجود دارد. این امر ممکن است در کوتاه‌مدت به طور نسبی تغییر کند زیرا قانونی بودن اقدامات فوق‌الذکر زیر سؤال می‌رود. به‌عنوان مثال، کمیته المپیک روسیه و FUR قانونی بودن تصمیمات علیه خود را در دادگاه دوری ورزش (CAS) به چالش کشیده‌اند. چنین اقدامات حقوقی باعث ایجاد چالش‌ها و پاسخ به تعدادی از سؤالات دشوار خواهد شد. تا آنجا که اقدامات انجام‌شده توسط قوانین ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی الزامی نشده است، سؤال اصلی آن است که آیا تحریم‌ها و فسخ قراردادها توسط مقررات و قوانین مربوط به ورزش پشتیبانی می‌شود؟ آیا چنین حمایت نظارتی مورد نیاز است یا چنین اقداماتی تحت اختیارات اختیاری SGBها قرار می‌گیرد؟ آیا اقداماتی که ورزشکاران و گروه‌ها را هدف قرار می‌دهد توجیه‌پذیر است و پاسخ‌های متناسب به اقدامات انجام‌شده توسط دولت‌ها غیر مرتبط با ورزش است؟ SGBها تا چه حد باید در استفاده از قدرت تحریمی خود ثابت‌قدم باشند و تا چه اندازه می‌توان تهاجم به اوکراین را

از سایر تخلفات دولتی که SGB از پاسخ دادن به آن‌ها امتناع کرده‌اند متمایز کرد؟ اگر صحت این مسئله وجود دارد، اصل ثبات قراردادی در پاسخ به این سؤالات چه نقشی دارد؟ باین حال، بزرگ‌ترین چالش و همچنین بزرگ‌ترین فرصت برای تغییر دستگامی ممکن است به اقدامات خاصی که در پاسخ به جنگ روسیه علیه اوکراین انجام شده است بی‌ارتباط باشد: اکنون اصل بی‌طرفی سیاسی چه خواهد شد؟ حتی قبل از جنگ نیز بدیهی بود که رویکرد سر در شن فروردن یا به قول هابر من «انکار هیستریک و مضحک واقعیت» غیرقابل دفاع است و نیاز مبرمی برای تغییر اساسی وجود دارد (Hoberman, 2011, P20) وضعیت کنونی و اقدامات اخیر آن چیزی را که قبلاً آشکار بود غیرقابل انکار می‌کند. به عبارت دیگر، این که هیچ تقسیم‌بندی تمیزی بین ورزش و سیاست امکان‌پذیر نیست، منفعل بودن با طبیعی بودن سیاسی یکسان نیست، سکوت در خدمت منافع کسانی است که مرتکب بی‌عدالتی می‌شوند و به دنبال جلوگیری از بحث هستند. (Cf. Kidd, 2013, P422)

در مورد بی‌عدالتی‌ها و اینکه ذینفعان ورزش مسئولیت اخلاقی دارند تا از قدرت ارائه شده توسط ورزش برای صحبت و اقدام علیه بی‌عدالتی استفاده کنند. اقدامات پیشرو SGBها در پاسخ به تهاجم روسیه به اوکراین عملاً دکترین بی‌طرفی از قبل موجود را از بین برده است. وضعیتی که باعث این اقدامات شد، بدون شک وضعیتی افراطی است. باین حال نمی‌توان آن را به راحتی مورد تحلیل قرارداد تیم‌های فدراسیون‌های ورزشی ملی و ورزشکاران انفرادی که می‌خواهند در برابر سایر بی‌عدالتی‌ها صحبت کنند و اقداماتی انجام دهند، اکنون کمتر احتمال دارد که با استناد به اصل بی‌طرفی سیاسی از انجام این کار منع شوند. بعد از اینکه IOC و FIFAهای جهان سکوت خود را به طور کامل و با صدای بلند شکستند، یک چیز واضح است که نمی‌توان بقول ضرب‌المثل معروف «غول چراغ را دوباره در بطری^۱» گذاشت. مهار چنین اقداماتی به صورت رویه‌ای می‌تواند بی‌طرفی ورزش را به عنوان نهاد صلح بر هم زند.

واکنش منفی اتحادیه فوتبال روسیه به فیفا و یوفا قابل انتظار بود. روسیه اقدامات را علیه خود تبعیض‌آمیز خواند. در بیانیه این مرجع آمده است: «اتحادیه فوتبال روسیه با تصمیم فیفا و یوفا مبنی بر تعلیق تمام تیم‌های روسی از شرکت در مسابقات بین‌المللی به طور قاطع

1. t the genie cannot be put back into the bottle.

مخالف است. ما معتقدیم که این تصمیم مغایر با قوانین و اصول رقابت‌های بین‌المللی است. این تصمیم طبیعتاً به تعداد زیادی از ورزشکاران، مربیان، کارکنان باشگاه‌ها و تیم‌های ملی و از همه مهم‌تر میلیون‌ها هوادار روسی آسیب می‌رساند که در وهله اول سازمان‌های ورزشی بین‌المللی باید از منافع آن‌ها محافظت کنند. جامعه ورزشی که همواره به اصول برابری، احترام متقابل و استقلال سیاسی پایبند بوده است، حق اعتراض به تصمیم فیفا و یوفا مطابق با قوانین بین‌المللی ورزش را برای خود محفوظ می‌دارد. (مندنی، ۱۳۹۸، ص ۲۶۵) در پی محرومیت‌های در نظر گرفته‌شده از سوی کمیته بین‌المللی المپیک نیز پوزدنیاکوف، رئیس کمیته المپیک روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد: «منشور المپیک و موضع قبلی IOC وجود دارد که ورزشکاران قلب جنبش المپیک هستند و حقوق آن‌ها بالاتر از هر چیزی از جمله هرگونه موضع‌گیری سیاسی است.

۴. تساوی حاکمیتی کشورها و تبعیض علیه آنان

اصل در حقوق بین‌الملل بر تساوی و برابری کشورهاست. ورزش در عرصه جهانی و جام جهانی نبرد برابر و مساوی کشورهاست و منع تبعیض علیه کشورها از این حیث از اصول مسلم حقوق بین‌الملل است. ماهیت جامعه بین‌المللی و همبستگی جهانی جامعه بین‌المللی، از نظر حقوقی بر جامعه‌ای از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی اطلاق می‌گردد که از نظر ساختاری بر دو اصل بنیادین حاکمیت مستقل کشورها و تساوی دولت‌ها به‌عنوان بنیاد همبستگی ملل متحد مبتنی است. لذا این جامعه روابط خود را بر این تساوی مدیریت می‌دارد. حاکمیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل به معنای حاکمی مطلق نیست. نتیجه اصل تساوی دولت‌ها، تقابل حقوق و امتیازات دولت‌ها در مقابل یکدیگر است. به‌عبارت دیگر، اعضا در برابر برخورداری از حقوق و امتیازات، تعهدات و مسئولیت‌های منبعث از نظم جامعه‌ی بین‌المللی که منبعث از نظم حقوقی بین‌الملل و هنجارهای مقبول و آمره حقوق بین‌الملل است دارای تساوی و برابری‌اند. تلقی و درک دولت‌ها از نیازها و ارزش‌های مشترک، آن‌ها را در کنار یکدیگر قرارداد و علل وجودی حقوق بین‌الملل را رقم می‌زند. عامل و موجد برقراری نظم حقوقی بین‌المللی، همکاری و مساعدت حاکمیت‌های ملی با یکدیگر در جهت پیشبرد نیازهای متقابل کشورها نقش اساسی دارد (مافی، ۱۳۹۴، صص ۱۱۵-۱۵۹) و

ممانعت و برهم زدن این اعتدال زمینه‌ساز خصم و روابط خصمانه است. روابط در حقوق بین‌الملل یا دوستانه و یا خصمانه است اما اصل مسلم در میان کشورها بر روابط دوستانه گذارده شده است.

۵. ضمانت اجرای افکار عمومی در عرصه بین‌المللی

در دایرة‌المعارف امریکاهای، در تعریف تحریم بین‌المللی و در عرصه جهانی به‌صورت ذیل آمده است: این کلمه بر مجازاتی اطلاق می‌شود که توسط یا از سوی و یا به درخواست یک سازمان بین‌المللی به نمایندگی از جامعه بین‌المللی در برابر یک دولت یا گروهی که تعهدی بین‌المللی را که خود به آن متعهد بوده است، مخصوصاً اگر آن تعهد در مورد خودداری از تجاوزهای نظامی باشد، اعمال می‌گردد. (Encyclopedia Americana, 1972, p248) تعریف تحریم در فرهنگ حقوقی سبک به این عبارت است که مجازات یا دیگر سازوکارهای اجرا، که نسبت به اطاعت از حقوق، قواعد و مقررات ایجاد انگیزه می‌کند و همچنین بخشی از حقوق که به‌منظور اطمینان از اجرا، از طریق وضع مجازات نسبت به نقص یا اعطای پاداش نسبت به رعایت آن‌ها در نظر گرفته شده است. غیر از بحث تحریم و تعلیق اعمال‌شده از سوی فیفا به‌راستی ضمانت اجرای جلب افکار عمومی که از ضمانت‌های غیرحقوقی در نظام بین‌الملل است دارای توجه است. (Henry Campbell, 1990, p.207) افکار عمومی جهانی به‌مثابه ضمانت اجرا عبارت است از جلب توجه افکار عمومی جهانی در برابر نقض مقررات حقوق بین‌الملل و تأثیر آن در عملکرد کشورها یکی از عواملی است که می‌تواند به‌عنوان یکی از ضمانت‌های مهم و تأثیرگذار حقوق بین‌الملل به‌شمارد. از این منظر که، امروزه افکار عمومی در سطح جهان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. از سوی دیگر دولت‌ها نمی‌خواهند در سطح جهان خود را بی‌اعتنا به حقوق بین‌الملل جلوه دهند و این خود نشان‌دهنده اهمیت افکار عمومی است. واقعه رخ داده در منع روسیه در شرکت در جام جهانی در عرصه بزرگی چون ورزش فوتبال در عرصه جهانی بی‌تأثیر نبوده و ضمن انتقادات بسیار زیاد تأثیر این اقدام بر اذهان تا جایی است که خشم مقامات روسیه را برانگیخته است. عدم ورود به میدانی مقدس چون ورزش نشانه نقض اصول حقوق بین‌الملل و تجاوز به خاک اوکراین از سوی روسیه معنا می‌دهد که عنصر نامطلوب قلمداد

شدن روسیه در عرصه ورزش نیز بلااثر نمانده است. از طرف دیگر نیز «بیداری و آگاهی فزاینده ملت‌ها به تاریخ»، مایه ظهور وجدان همگانی بشریت و تشکیل عامل نو پدیدیده «افکار عمومی جهانی» در روابط بین‌المللی شده است. ظلم، نابرابری، تجاوز، عهدشکنی و زورگویی و لشکرکشی توسط افکار عمومی محکوم می‌گردد بمانند آنچه علیه اوکراین و تمامیت این کشور روی داد و جامعه بشری اکنون از برکت این وجدان، تجاوز و زورگویی را به آسانی از یاد نمی‌برد و روا نمی‌دارد که عاملان آن‌ها بی‌کیفر باقی بمانند خصوصاً اگر چنین معطوف دادن توجه در عرصه ورزش رخ دهد. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳، ص ۲۴) بنابراین از آنجاکه تابعان بین‌المللی اعم از فدراسیون‌ها و سازمان‌های بین‌المللی اهداف منشور و تحقق صلح و امنیت بین‌المللی را می‌بایست ترویج دهند. با انتقاداتی که روسیه در واکنش به اعمال تعلیق و تحریم مراجع ورزشی انجام داد. به نظر می‌رسد کمتر دولتی حاضر است با عدم رعایت یا تجاوز به اصول و قواعد حقوق بین‌الملل خود را در معرض انتقاد افکار عمومی در سطح جهان قرار دهد. حتی در چنین مواردی نیز دولت‌ها سعی کرده‌اند اعمال خود را منطبق با اصول و قواعد حقوق بین‌الملل جلوه دهند و این به دلیل اهمیتی است که در عصر حاضر به جلب و اقناع وجدان و افکار عمومی داده می‌شود.

نتیجه‌گیری

جنگ در اوکراین موضوع روز این روزهای دنیاست. جنگ بی‌هویتی که در پی یک مناقشه طولانی میان روسیه و اوکراین در طول تاریخ حقوق بین‌الملل به وقوع پیوست و در هزاره سوم و در عصر گفتمان و دیپلماسی بازهم تجاوز به خاک یک کشور و عدم احترام به تمامیت ارضی را رقم زد. حمله روسیه به خاک اوکراین اتفاق عجیبی بود که کل جهان را تحت الشعاع قرارداد و این تأثیر از وادی ورزش که همواره شعار جدایی از سیاست و جوانمردی را دارد بازنیستاد و این بار در قامت اعتراض به تعلیق و محرومیت روسیه در مصاف با جام جهانی ۲۰۲۲ پرداخت. در عصری که مدعیان دموکراسی، حقوق بشر و آزادی بیان همه مناقشات دنیا را از مسیر مذاکره و گفتمان قابل حق می‌دانند، لکن لشکرکشی تزاری ثابت کرد که تمامی این شعارهای جذاب و فریبنده تنها روی کاغذ معتبرند و هر قدرتی در نابرابری و بقول اسپینوزا هر آن‌کس حق دارد که قدرت دارد، بازی سیاست را به وادی بازی ورزش کشاند تا از این

حیث افکار جهانی را به مثابه ندای وجدان برانگیزد تا شاید متجاوزان از این ضمانت اجرا، آن‌ها در پی رخداد مهم ورزشی عتاب کار خویش را ببینند. گرچه اقدامات یک‌جانبه فیفا و دیگر مراجع ورزشی با نوعی شتاب و نقض قواعد و مقررات خود و نوعی استاندارد دوگانه وارد عمل شد که انتقاداتی از این دست را متوجه خود ساخت. اما این روند به مثابه‌ی رویه‌ای در حال ظهور در حال شکل‌گیری است که عرف بین‌المللی را شکل خواهد بخشید. برخی فارغ از تحلیل حقوقی در مورد افکار جهانی و معطوف داشتن تمامی اذهان به تجاوز یک کشور علیه دیگری در عرصه بین‌الملل، استاندارد دوگانه که از سوی مراجع و نهادهای ورزشی صورت گرفته را حاکی از این مدعا می‌دانند که این تصمیمات پای منفعت سیاسی را به ورزش جوانمردانه باز می‌کند به تعبیر دیگر در یک ورزش سیاسی این بازیگران و عوامل سیاسی هستند که تعیین می‌کنند چرا و چگونه باید رفتار کرد و چگونه تصمیم گرفت. النهایه، به‌زعم آنان منفعت‌طلبی و سودجویی تنها معیار منفعت‌جویی‌های سیاسی است. عملکرد متناقض و تبعیض‌آمیز فیفا در این امر ثابت کرد که ورزش همیشه سرسپرده سیاست و در خدمت آن است و تاروپود ورزش مدت‌هاست با سیاست تنیده شده و بایست شعار جدید را جایگزین قبل نمود که «ورزش، عین سیاست است».

منابع

۱. اکبرپور، حمیدرضا. (۱۳۹۵). فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) شخصیت حقوقی، ساختار عملکرد از منظر حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
۲. پازوکی، امین. (۱۳۹۶). معافیت از مسئولیت مدنی در حوادث ورزشی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
۳. ساعد وکیل، امیر. (۱۴۰۱). حقوق بین‌الملل ورزش، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۹۳). حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش.
۵. مافی، همایون. (۱۳۹۴). تأملاتی در باب ضمانت اجرا از منظر حقوق بین‌الملل عمومی، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، سال اول، شماره ۲، ص ۱۱۵-۱۵۹.
۶. محمدی، مهرداد. (۱۳۹۷). حقوق بین‌الملل ورزش راهنمای مقدماتی، تهران، نشر خرسندی، چاپ اول.
۷. مندنی، اسلام. (۱۳۹۸). جرم‌شناسی ورزشی، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم.
1. Boykof J (2019) The political history of the Olympics and the human rights thicket. *Conn J Int Law* 35(1):1-16
2. Di Marco A (2021) *Athletes' freedom of expression: the relative political neutrality of sport*. *Hum Rights Law Rev* 21:620-640. <https://doi.org/10.1093/hrlr/ngab009>
3. Gauthier R, Alford G (2019) Will human rights ever be Olympic values?: Evaluating the responses to human rights violations at the olympic games. *Conn J Int Law* 35(1):21-34
4. Hoberman J (1986) *The Olympic crisis: sport, politics, and the moral order*. Aristide O. Caratzas ed, New Rochelle
5. Hoberman J (2011) The Myth of sport as a peace-promoting political force. *SAIS Rev Int Affairs* 31(1):17-29
6. Kidd B (2013) The myth of the ancient Games. *Sport Soc* 16(4):416-424. <https://doi.org/10.1080/17430437.2013.785753>
7. Lindholm J (2017) From Carlos to Kaepernick and beyond: athletes' right to freedom of expression. *Int Sports Law J* 17:1-3. <https://doi.org/10.1007/s40318-017-0117-4>
8. Næss HE (2018) The neutrality myth: why international sporting associations and politics cannot be separated. *J Philos Sport* 45(2):144-160. <https://doi.org/10.1080/00948705.2018.1479190>
9. O'Bonsawin C (2015) From black power to indigenous activism: the Olympic movement and the marginalization of oppressed peoples (1968-2012). *J Sport History* 42(2): 200-219
10. Thiel A, Villanova A, Toms M, Friis Thing L, Dolan P (2016) Can sport be 'un-political' *Eur J Sport Soc* 13(4):253-255.